

توکسی هستی که بزرگی ات در آسمان و تواثمنندی ات در زمین و شگفتی هایت در دریاهاست. حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام

ای آن که شگفتی هایش در دریاهاست. ازدعای جوشن کبیر

اعضاء خانواده فیلم جالبی درباره ی دلفینی که انسانی را از غرق شدن نجات داد و او را به ساحل رساند، مشاهده می کنند .

حامد: باور نمی کنم. این، موضوع عجیبی است . مرابسیار به حیرت می اندازد.

پدر : ای فرزندم، عجیب نیست؛ زیرا دلفین دوست انسان در دریاهاست.

صادق : باورکردنش سخت است! ای پدرم، این دوست رابه مامعرفی کن (بشاسان).

پدر : او حافظه ای قوی دارد، شنواییش ده برابر بیش از شنوایی انسان است، و وزنش تقریباً به دو برابر وزن انسان می رسد، و او از حیوانات پستانداری

است که به بچه هایش شیر میدهد .

نورا : قطعاً او حیوان باهوشیست که کمک کردن به انسان را دوست دارد! آیا این طور نیست ؟

پدر : بله، مسلماً؛ دلفین ها می توانند که مارابه محل سقوط یک هواپیما یا محل غرق شدن یک کشتی راهنمایی کنند.

مادر : دلفین ها نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می کنند، و آن چه که از شگفتی ها و رازها زیرآب است، کشف می کنند ، و به انسان در کشف

محل های جمع شدن ماهی ها کمک می کنند .

صادق : دیدم که دلفین ها حرکت های گروهی انجام می دادند؛ پس آیا باهم صحبت می کنند؟

مادر : بله؛ در دانشنامه ای علمی خواندم که دانشمندان تأکید می کنند که دلفین ها می توانند که با به کارگیری صداهای مشخصی صحبت کنند

و این که آن ها مانند پرندگان آواز می خوانند، مانند کودکان گریه می کنند و مانند انسان سوت می زنند و می خندند.

نورا : آیا دلفین ها دشمنانی دارند؟

پدر : البته؛ دلفین ها کوسه ماهی را دشمن خودبه حساب می آورند، پس آن گاه که نگاهشان به کوسه ماهی بیفتد، به سرعت دورش جمع می

شوند و او را با بینی های تیزشان می زنند و او را می گُشند .

نورا : آیا دلفین انسان را واقعاً دوست دارد؟

پدر: بله؛ بیا تا این خبر را در اینترنت بخوانیم : ... جریان آب مردی را به شدت به ژرفاها کشید، و آن مرد بعد از نجات یافتنش گفت: ناگهان چیزی

مرا با قدرت به بالا بلند کرد (به بالا بُرد)، سپس مرابه ساحل برد و وقتی تصمیم گرفتم که از نجات دهنده ام تشکر کنم کسی را نیافتم ، اما من دلفین

بزرگی را دیدم که نزدیکم درآب باشادمانی می پرید.

مادر : قطعاً دریا و ماهی ها نعمت بزرگی از جانب خداوندند .

حضرت پیامبر خدا (ص) فرمود : نگاه کردن به سه چیز عبادت است : نگاه کردن به قرآن ، نگاه کردن به چهره ی پدر و مادر و نگاه کردن به دریا .

- اَدَى: ایفا کرد، منجرشد، ادا کرد؛ حروف اصلی: ء د ی ، ماضی باب تفعیل: اَدَى یُوَدَى اُدُّ تَأْدِیة
- اُرْشَدَ: راهنمایی کرد، هدایت کرد، ارشادکرد؛ = هَدَى ، دَلَّ ، متضادُّ اُضَلَّ (گمراه کرد)، ماضی باب افعال
- اُرْضَعُ: شیرداد، حروف اصلی: ر ض ع ، ماضی باب افعال: اُرْضَعُ یُرْضِعُ اُرْضِعُ اِرْضَاع
- \*توجه: با اَرْضَى یَرْضِی اَرْضِ اِرْضَاء (راضی کردن) فرق دارد. (ر ض ی)
- اَعْلَى: بالا، بالاتر؛ متضادُّ اَسْفَلَ (پایین، پایین تر) // \* توجه: با اَعْلَى به معنی "بالا برد" فرق دارد. (ازجمله متوجه می شویم.)
- اَنْفَقَ: انفاق کرد، حروف اصلی: ن ف ق ، ماضی باب افعال
- اَوْصَلَ: رساند، رسانید. حروف اصلی: و ص ل // وَصَلَ: رسید؛ اَوْصَلَ: رساند؛ وَاَصَلَ: ادامه داد؛ اِتَّصَلَ: تماس گرفت
- بِحَارٍ: دریاها، مفرد: بَحْرٌ؛ چند جمع مکسر دارد: بِحَارٍ، بَحُورٍ، اُبْحُرُ
- بَكَى: گریه کرد، حروف اصلی: ب ك ی ، ثلاثی مجرد: بَكَى یَبْكِی بُكَاء (مصدر)، متضادُّ ضَحِكَ و اِبْتَسَمَ و تَبَسَّمَ
- بَلَغَ: رسید (رسیدن معنوی و .. نه رسیدن به خانه و باغ و ..) = وَصَلَ // \* توجه: بَلَغَ برخلاف فارسی متعدی است و نیاز به مفعول دارد.
- اما وَصَلَ لازم است و مفعول می خواهد.
- بَلَى: آری، بله = نَعَمْ؛ متضادُّ لا
- تَجَمَّعَ: جمع شد، ماضی باب تَفَعَّلَ: تَجَمَّعَ یَتَجَمَّعُ تَجَمُّعٌ تَجَمَّعَ
- تَيَّارٌ: جریان // با طَيَّارٌ و طَائِرَةٌ و .. اشتباه نشود.
- دَوْرٌ: نقش، جمع: اَدْوَارٌ
- ذَاكِرَةٌ: حافظه، یاد، خاطر
- شَاطِئٌ: ساحل، چون ساحل هم یک کلمه ی عربیست، پس اگر مترادفش رانیز بخواهیم بنویسیم "ساحل" می نویسیم! جمع: شَوَاطِئٌ=سَوَاحِل
- صَفَرٌ: سوت زد، صَفِيرٌ: سوت (به املاء کلمه دقت کنید).
- طَيُّورٌ: پرندگان، مفرد: طَیْرٌ و طَائِرٌ
- عَرَفَ: معرفی کرد، شناساند //
- عَرَفَ: شناخت، اَعْرَفَ و عَرَّفَ: شناساند، تَعَرَّفَ: آشنایی پیدا کرد، تَعَارَفَ: کسی را شناخت، باکسی آشنا شد، اِعْتَرَفَ: اعتراف کرد
- عَزَمَ: تصمیم گرفت = قَصَدَ
- عَنَى: آواز خواند، ماضی باب تفعیل: عَنَى یُعَنِّی عَنَّ تَغْنِیة (امرش در کتاب نیامده.)
- کذالك: همین طور = اَيْضاً
- لَبُونَةٌ: پستاندار، حروف اصلی: ل ب ن
- مُنْقَذٌ: نجات دهنده = مُنْجِی ، نَاجِی

## ص. ۹۸ : درك مطلب:

۱. دلفین از حیوانات پستاندار است که به بچه هایش شیر می دهد . صحیح
۲. کوسه ماهی نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می کند . غلط
۳. شنوایی انسان ده برابر بیش از شنوایی دلفین است . غلط
۴. کوسه ماهی دوست انسان در دریاهاست . غلط
۵. کوسه ماهی دشمن دلفین هاست . صحیح
۶. دلفین ها بینی های تیزی دارند . صحیح

## ص. ۱۰۵ : التمرین الأول:

جمله درست و نادرست را مطابق حقیقت و واقعیت مشخص کن:

۱. زمانی که جریان برق در شب قطع می شود، هر جایی در تاریکی فرو می رود. صحیح
۲. طاووس از پرندگان آبی (آبی) است که بالای کوه های برفی زندگی می کند. اشتباه
۳. دانش نامه واژه نامه ی بسیار کوچکی است که مقدار کمی از دانش هارا جمع می کند. اشتباه
۴. بینی عضو نفس کشیدن و بویایی است. صحیح
۵. خفاش پرنده ای از پستانداران است. صحیح

## ص. ۹۶ : نکات متن درس:

- أنت : مبتداء، الذي: خبر (ازنوع اسم)، ك: مضاف إليه

ص. ۹۶:

\*- هذا أمرٌ عجيبٌ : این، امری عجیب است. هذا: مبتداء، أمرٌ: خبر (ازنوع اسم)، عجيبٌ: صفتِ أمرٌ

هذا الأمر عجيبٌ: این امر، عجیب است. هذا: مبتداء، عجيبٌ: خبر (ازنوع اسم)

هذا الأمر العجيبٌ .. : این امرِ عجیب .. هذا: مبتداء، العجيبٌ: صفتِ الأمر

- يُحَيِّرُنِي : يُحَيِّرُ: فعل ، ن : وقایه ، ي: مفعول

- عَرَفْنَا عَلَى هَذَا الصَّدِيقِ: این دوست را به ما بشناسان. عَرَفَ: فعل امر، نا: مفعول، على هذا: جار و مجرور

- ضَعَفِي: مفعول. این کلمه مثنی است؛ ضَعَفَيْنِ بوده و به دلیل مضاف واقع شدن نونش افتاده. وزن: مضاف إليه، الإنسان: مضاف إليه

- صِغَارٍ: مفعول

- تَوَدَّيْ: فعل، الدَّلائِلُ: فاعل، دوراً: صفت، مهمماً: صفت، في الحرب: جار و مجرور

- تَكشِفُ: فعل، ما: مفعول، تحت: قید مکان، الماء: مضاف إليه؛ تُسَاعِدُ: فعل، إنسان: مفعول

ص. ۹۷:

- تَحَسَّبُ: فعل دومفعولیست! تَحَسَّبُ: فعل، الدَّلائِلُ: فاعل، سمك: مفعول اول؛ القرش: مضاف إليه، عدواً: مفعول دوم